



بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی به مناسبت سالروز قیام بیست و نهم بهمن ۱۳۵۶ مردم تبریز (۱) - 29 / بهمن / 1398

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقیة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز. این دیدار سالیانه، یکی از شیرین‌ترین و پُر خاطره‌ترین دیدارهای این حقیر است؛ کم‌اینکه دیدار با مردم تبریز و آذربایجان هم در طول سفرهایی که ما داشته‌ایم، همواره یکی از بهترین، شیرین‌ترین، به‌یادماندنی‌ترین دیدارها و سفرهای این حقیر بوده. خوشحالم از اینکه یک بار دیگر جمعی از مردم غیور، مؤمن، انقلابی، صادق و شجاع آذربایجان و تبریز را در این حسینیّه ملاقات میکنیم؛ خیلی خوش آمدید.

در منقبت تبریز و تبریزی و آذربایجانی، ما خیلی صحبت کرده‌ایم و باز هم جای صحبت باقی است. انسان هر چه ذهن را میبرد به سمت حوادث تاریخی دوران انقلاب و قبل از انقلاب، اهمیّت مردم تبریز و مردم آذربایجان و تأثیرشان را بیشتر احساس میکند. اگر بخواهیم در یک جمله درباره‌ی این مردم یک قضاوت اجمالی بکنیم، باید بگوییم در آذربایجان، غیرت دینی، غیرت ملی، غیرت انقلابی متبلور است در رفتار مردم و در شخصیت و هویت مردم؛ از دین دفاع کرده‌اند، از کشور دفاع کرده‌اند، از انقلاب دفاع کرده‌اند، از ملیت دفاع کرده‌اند، از هویت دینی دفاع کرده‌اند. آن روزی که در آذربایجان انگیزه‌های خصمانه‌ای، افکار انحرافی ضد دینی را ترویج میکرد، اتکاء منجیان انقلاب مشروطه‌ی آن روز، به فتوای فقها بود. هیچ کس باور نمیکرد که ستارخان و باقرخان از مرجع تقلید دستور بگیرند، حکم بگیرند، امّا این جوری بود؛ هویت دینی را اینها حفظ کردند و همواره نگه داشتند.

یک نکته‌ی مهمی که در بیانات امام جمعه‌ی محترم هم تکرار شد و خوب بود، این بود که در آذربایجان، در تبریز، مسائل، به‌هنگام اتفاق می‌افتد، با تأخیر اتفاق نمی‌افتد؛ [یعنی] آن وقتی که لازم است و در لحظه‌ی لازم. بنده بارها گفته‌ام، در خط تولید که این محصول از جلوی شما - که در یک نقطه‌ای ایستاده‌اید - عبور میکند، شما باید یک کاری روی این محصول انجام بدهید؛ اگر پنج ثانیه تأخیر کنید، محصول می‌رود، ناقص میماند؛ در همان لحظه بایستی تصمیم بگیرید و عمل بکنید؛ آذربایجان این جوری عمل کرده، در لحظه تصمیم گرفته و عمل کرده. در بیست و نهم بهمن ۵۶ که امروز سالگرد و یادآور آن حادثه‌ی عظیم است این جور بود؛ یعنی بوقت تصمیم گرفتند و عمل کردند و خدا برکت داد، که حالا اجمالاً عرض خواهم کرد که خدا چگونه برکت میدهد به این جور کارها.

در برابر مسائل بعد از انقلاب هم همین جور. ما در جریان بودیم؛ اینجا در شورای انقلاب، همه به طور دائم متوجه مسائل تبریز بودند، امام هم متوجه بودند؛ یک عده‌ای هم متوحش بودند، امام فرمودند هیچ کس متوحش نباشد؛ خود مردم تبریز از عهده‌ی رفع فتنه برمی‌آیند، احتیاج به کس دیگری نیست؛ همین جور هم شد. از اطراف و اکناف، ضد انقلاب را جمع کردند کشاندند به تبریز، در همان ماه‌های اول انقلاب، بلکه بتوانند یک غائله‌ای، فتنه‌ای درست کنند؛ آن کسی که علاج کرد فتنه را خود مردم تبریز بودند؛ خود مردم تبریز، خود جوانهای تبریز، آمدند وسط میدان.



در دفاع مقدّس همین جور؛ در مسائل بعد از دوران دفاع مقدّس، در فتنه‌های گوناگون، در سال ۸۸، در مسائل بعدی همیشه تبریز جلودار بوده، همیشه مقدّم بر دیگران حرکت میکرده. با اینکه پیکر شهید سلیمانی را نیاوردند تبریز، اما در بدرقه‌ی شهید، حرکت عظیم مردم و اجتماعی که در تبریز شد- بنده در تلویزیون نگاه می‌کردم - واقعاً اشک انسان را جاری می‌کرد؛ اینها خیلی مهم است، اینها خیلی بامعنا است؛ بعد هم که راه‌پیمایی بیست‌ودوم بهمن در آن سرما و در آن برف و در آن هوای کدائی با آن اجتماع عظیم مردم. اینها چیزهایی است که چشمها آنها را می‌بینند؛ چشمهای دوست می‌بینند و امیدوار میشوند، چشم دشمن هم می‌بینند و حساب کار خودش را میکند؛ دشمن هم می‌بیند اینها را. دشمن، خواب هم نیست، کور هم نیست، می‌بیند در ایران چه خبر است؛ [لذا اینها] تأثیر می‌گذارد، که حالا عرض می‌کنیم.

تأثیر حضور به‌هنگام و در لحظه، یک تأثیری است که خدای متعال به آن یک لطف و عنایت خاصی دارد؛ یعنی وقتی که کار را شما در لحظه‌ی نیاز انجام می‌دهید، برکات آن کار بیشتر خواهد شد. حالا مثلاً همین بیست‌ونهم بهمن ۵۶؛ عقیده‌ی بنده این است که اگر مردم تبریز روز بیست‌ونهم بهمن این چهل‌م را برای نوزدهم دی نمی‌گرفتند، به احتمال زیاد نوزدهم دی به فراموشی سپرده میشد، در امواج تبلیغات گوناگون آن روز فراموش میشد. خدای متعال برکت داد؛ مردم ایستادند، مقاومت کردند، شجاعت به خرج دادند، چهل‌م گرفتند برای شهدای نوزدهم دی قم؛ چون به موقع بود، چون درست و به جا بود، چون به‌هنگام بود، خدای متعال برکت داد؛ برکتش چه بود؟ این بود که در دنباله‌ی این حرکت، حرکت عمومی ملت ایران اتفاق افتاد. بعد از تبریز چندین شهر -دیگر حالا یک شهر نبود- چهل‌م شهدای تبریز را گرفتند؛ یعنی یاد گرفتند که باید چه کار کرد. جاده را تبریزی‌ها باز کردند؛ این جوری خدا برکت می‌دهد. و حرکت عمومی ملت ایران به یک حادثه‌ای منتهی شد که این حادثه در طول تاریخ کشور ما سابقه ندارد: ریشه‌کن کردن حکومت طاغوت و روی کار آوردن حکومت اسلام؛ برکت الهی این است.

بنده به آذربایجان و به تبریز خیلی امیدوار هستم، به جوانها خیلی امیدوارم. اکثر شما که اینجا هستید جوان هستید؛ شما آن روز را یادتان نیست، آن روز را ندیده‌اید، امام را هم ندیده‌اید، دوران دفاع مقدّس را هم ندیده‌اید، اما ظرفیت شما از ظرفیت آن عزیزانی که در دفاع مقدّس مجاهدت کردند، اگر بیشتر نباشد کمتر نیست؛ این اعتقاد من است. امروز جوان آذربایجانی مرد و مردانه در میدان دفاع از انقلاب می‌ایستند، سینه سپر میکند -در زمینه‌ی جنگ نرم، در مسئله‌ی عقاید، در مسئله‌ی افکار گوناگون، در مواجهه‌ی با تبلیغات خصمانه‌ی دشمن- و اگر چنانچه یک وقتی حادثه‌ای پیش بیاید و حضور در میدان به صورت دیگری لازم باشد، باز هم من می‌بینم که این جوانها آماده‌اند. در مسائل اقتصادی، در مسائل سیاسی، در مسائل علمی، در گونه‌گون مسائل کشور، آذربایجان حقاً و انصافاً آماده است که نقش ایفا کند و ان شاءالله به توفیق الهی، این نقش تعیین‌کننده را ایفا خواهد کرد.

امروز بنده درباره‌ی انتخابات می‌خواهم مقداری صحبت کنم؛ مخاطب این سخن، شما عزیزانی هستید که اینجا هستید، و کسانی که بعداً صحبت ما را از بلندگوهای دیگری خواهند شنید. مسئله‌ی انتخابات خیلی مهم است. من به شما عرض بکنم که انتخابات یک جهاد عمومی است؛ انتخابات مایه‌ی تقویت کشور است؛ انتخابات مایه‌ی آبروی نظام اسلامی است. می‌بینید تبلیغات آمریکایی‌ها را که چطور می‌خواهند بین نظام اسلامی و بین مردم فاصله بیندازند؟ زیاد هم کار میکنند، دائم مشغول کارند، به قول خودشان اتاق فکر -به هیئتهای اندیشه‌ورز می‌گویند اتاق فکر- تشکیل می‌دهند، می‌نشینند، فکر میکنند، برنامه‌ریزی میکنند؛ چند ده نفر، چند صد نفر در بخشهای مختلف، مسئول کار ایران و بحث افکار عمومی ایران هستند که می‌نشینند فعالیت میکنند. هدف فعالیت این است که جوان



ایرانی را از نظام اسلامی جدا کنند؛ اما به نتیجه نمی‌رسند. می‌بینید در بیست و دوّم بهمن چه اتفاق می‌افتد، در بزرگداشت شهید عزیزمان سلیمانی چه اتفاق می‌افتد! در انتخابات، همین اتفاق باید بیفتد؛ یعنی ببینند دشمنان که با وجود اصرار آنها برای اینکه مردم را از نظام جدا کنند، مردم به انتخابات اقبال میکنند؛ که این اقبال، آبروی نظام اسلامی است.

چشم دوستان و دشمنان هم دوخته‌ی به اینجا است؛ به این هم توجه داشته باشید. دشمنان میخواهند بدانند که حالا بعد از این همه تلاش و تبلیغات و مشکلات اقتصادی‌ای که در کشور وجود دارد و بدعهدی‌ای که غربی‌ها و اروپایی‌ها با ما کردند و فشارهایی که -به قول خودشان فشار حداکثری- آمریکایی‌ها دارند وارد میکنند، بالاخره نتیجه‌اش در مردم چه شده؟ دشمن دارد نگاه میکند و میخواهد این را ببیند. دوستان ما هم در اطراف دنیا با نگرانی نگاه میکنند تا ببینند چه خواهد شد. البته هر وقت پیغامی به یک مجموعه‌ای از دوستانمان میدهیم، همیشه بنده میگویم هیچ نگران نباشید، از ملت ایران نگران نباشید؛ ملت ایران میداند چه کار دارد میکند، بلد است چه کار بکند و دارد میکند کار خودش را.

انتخابات، خنثی‌کننده‌ی بسیاری از نیت‌های شومی است که آمریکایی‌ها در ذهن دارند، صهیونیست‌ها در دل دارند علیه کشور؛ انتخابات این نیت‌های شوم را خنثی میکند. این انتخابات، بدل فنّ مکر و کید دشمنان ایران است؛ یک نمونه‌ای است از همان حضور به‌هنگامی که عرض کردیم. عرض کردیم خدا به حضور به‌هنگام برکت میدهد؛ مثل حضور بیست و نهم بهمن ۵۶ که خدا به آن برکت داد؛ اینجا هم حضور در پای صندوق انتخابات، به توفیق الهی مایه‌ی برکت خواهد بود. اگر خوب انجام بدهیم کارمان را، ممکن است تأثیر تحول‌آفرین داشته باشد؛ با این کار یک تأثیر تحول‌آفرینی در کشور به وجود می‌آید.

ما مکرّر عرض کرده‌ایم ایران باید قوی بشود؛ اگر قوی بشود، دشمن مأیوس میشود، توطئه‌های دشمن در نطفه خفه میشود و به نتیجه نمی‌رسد؛ این نتیجه‌ی قوی شدن است. یکی از مصادیق قوی شدن همین است که یک مجلس قوی داشته باشیم؛ مجلسی که در مقابل توطئه‌های دشمن، با وضع قوانین لازم، با هدایت دولتها به سمت مطلوب، بتواند کشور را مصونیت ببخشد؛ یک مجلس قوی این جوری است. خب هرچه حضور مردم در پای صندوقها بیشتر باشد، مجلس قوی‌تر است. البته این یک رکنش است، رکن دوّمش را هم عرض خواهم کرد. یک رکن قوّت مجلس همین است که کسان زیادی، جمع بیشتری به مجلس رأی بدهند. آن مجلسی که با آراء اکثریت قاطع مردم به وجود آمده، مجلس قوی و معتبری خواهد بود. این تأثیری که انتخابات میگذارد، فقط این نیست که در دوره‌ی چهارساله‌ی این مجلس تأثیر میگذارد، بلکه تأثیرهای بلندمدت میگذارد؛ برای خاطر اینکه این نمایندگان که شما میفرستید مجلس، هائی بگیرند، قوانینی را تصویب قوی و خوب، چه مجلس ضعیف-

خواهد

مدّت

مجلس ضعیفی هم باشد، مجلس خودباخته‌ای هم باشد در مقابل دشمن، آن هم تأثیرات منفی خواهد گذاشت برای بلندمدت.

به نظر بنده، با ملاحظه‌ی همه‌ی جوانب، امروز حضور در انتخابات و شرکت در رأی دادن یک حکم شرعی است؛ صرفاً یک وظیفه‌ی ملی و انقلابی نیست؛ وظیفه‌ی شرعی است؛ در عین حال یک جشن ملی هم هست، در عین



حال یک حق مدنی هم هست. مردم حق دارند در سرنوشت کشور دخالت کنند؛ این [سبب] استنقاذ (۲) حق خودِ آحاد مردم است که شرکت کنند. بنابراین، هم از لحاظ شرعی، هم از لحاظ جنبه‌ی ملی، هم از لحاظ احقاق حق مدنی، انتخابات یک برجستگی ویژه‌ای دارد. خب این یک بخش از مسئله است.

بخش دیگر مسئله، مسئله‌ی چگونه انتخاب کردن است: چه جوری انتخاب کنیم، چه کسی را انتخاب کنیم؛ این خیلی مهم است. من البته در صحبت‌های قبلی چند جمله‌ای عرض کرده‌ام، حالا هم تأکید میکنم بر همان چند جمله‌ای که گفته‌ایم: باایمان باشند، شجاع باشند، کارآمد باشند و افراد مؤمن، شجاع، وظیفه‌شناس، پُرانگیزه، وفادار به مردم، وفادار به انقلاب باشند. عزیزان من! ما در مجلس شورای اسلامی یک روزی نمایندگانی داشتیم - در همین مجلس شورای اسلامی خودمان - که امروز همانها نوکر و کلفت آمریکا و دشمنان ایرانند، دشمنان جمهوری اسلامی‌اند؛ [اما] یک روزی اینجا نماینده بودند! اینها را باید خیلی مراقبت کرد. وفادار به اسلام، وفادار به مردم، وفادار به انقلاب، وفادار به کشور، سرسخت در مقابل دشمن [باشند]؛ در مقابل دشمن احساس ضعف و اظهار ضعف نداشته باشند؛ چشم و دل حریص به مال دنیا نداشته باشند؛ چشم و دلشان سیر باشد. بعضی ممکن است وارد میدان نمایندگی بشوند برای اینکه بتوانند به مال و منالی، به امکاناتی دست پیدا کنند؛ این آدم شایسته‌ی نمایندگی این ملت نیست؛ [یعنی] آن کسانی که چشمشان به این است که بتوانند نماینده بشوند، بعد تأثیر بگذارند در وضع اداره‌ی بعضی از جاها - این را بردار، آن را بگذار - این را یک مطمعی (۳) قرار بدهند برای مسائل مالی! این جوری نباید باشد.

یک ترکیب متناسبی در مجلس باید وجود داشته باشد بین جوانان و بین افراد باتجربه؛ این لازم است. بنده همیشه روی جوانها تکیه میکنم، اما معنایش این نیست که از آدمهای مجرب و دانا و راه‌بلد، انسان چشم‌پوشد. جوانها در واقع کنش‌گر اصلی، پیشران و حرکت‌دهنده‌ی به جلو هستند؛ وجودشان بنابر این لازم است؛ هم در دستگاه‌های دولتی لازم است، هم در دستگاه‌های قانون‌گذاری لازم است، [هم] در بخشهای مختلف لازم است. این جوانگرایی‌ای که ما گفتیم، یک ضرورت قطعی کشور است؛ اما به معنای این نیست که آدمهای مجرب، کارکشته، راه‌بلد، کاربلد از دور خارج بشوند؛ نه، ترکیب این دو یک ترکیب مطلوبی است.

سابقه‌ی دلبستگی و انفعال در مقابل دشمن هم بایستی یک نقطه‌ی منفی به شمار بیاید و مردود به حساب بیاید. کسانی که این سابقه را دارند که در مقابل دشمن منفعلند، در مقابل دشمن قدرت ایستادگی ندارند، اعتماد به نفس ندارند، اینها انصافاً برای نمایندگی این ملت مناسب نیستند. این ملت اعتماد به نفس ملی دارد؛ ملت ما اعتماد به نفس ملی دارد، که هر کسی نگاه کند به کشور ما همین را احساس میکند.

این را شما توجه داشته باشید که الان در دنیا -نمیدانم حالا این خبرها دست آحاد مردم عزیزمان میرسد یا نه- خیلی‌ها از اندیشمندان عالم، از آدمهای متفکر، سیاسیون، قلم‌به‌دست‌های دنیا، درباره‌ی ملت ایران همین قضاوت را میکنند؛ میگویند این ملت، ملت رشید و بزرگی است، ملت نیرومندی است، ملتی نیست که بشود او را ترساند و با فشار او را وادار به یک کاری کرد؛ این را همه میگویند؛ [یعنی] این کسانی که درباره‌ی ایران [فکر میکنند]. البته بله، عضو سازمان سیای آمریکا این حرف را نمی‌زنند، خب معلوم است؛ وابسته‌ی به فلان دولت متخاصم، این حرف را نمی‌زنند، اما آدم آزاد، [چرا]؛ [در منشورات و مطبوعات خارجی از این حرفها فراوان است، که گزارشش برای ما می‌آید.



ضمناً [اهمیت] انتخابات را که عرض کردیم، انتخابات مجلس بسیار مهم است، اما انتخابات خبرگان هم بسیار مهم است که ما در کنار این، داریم و در تعدادی از شهرها انتخابات خبرگان هست؛ آن هم نباید به حاشیه برود. کاری که بر عهده‌ی خبرگان ملت هست یک کار بسیار مهمی است.

بنابراین دو رکن در باب انتخابات هست: یکی اصل انتخابات است و شرکت عمومی مردم که ما عرض کردیم هر کس اسلام را دوست دارد، انقلاب را دوست دارد، نظام را دوست دارد، ایران را دوست دارد در انتخابات شرکت کند؛ [ولی متأثر از] تبلیغات گوناگون، نه. هر کسی که این خصوصیات را دارد باید انتخاب خوب بکند. یک گزارشی بنده داشتم - که به احتمال زیاد گزارش واقعی و دقیق بود- که یکی از این کشورهای عنود منطقه، که نمیخواهم اسم بیاورم، پول داده به یک رسانه‌ی غربی انگلیسی تا او در برنامه‌ی زبان فارسی‌اش حرفهایی بزند که مردم را از گرایش به آدمهای انقلابی دور کند؛ پول خرج میکنند، دلار نفتی خرج میکنند برای اینکه مردم را اغوا کنند و به یک سمت دیگر ببرند؛ این هم رکن دوم. رکن اول، اصل انتخابات است و رکن دوم، کیفیت انتخابات و چگونگی انتخابات است. این عرض ما در باب انتخابات است. انتخابات همین چند روز دیگر است؛ نعمت الهی و امتحان الهی است، میدان حضور است و امیدواریم که ان شاء الله همه‌ی مردم عزیز کشورمان و مردم عزیز آذربایجان و مردم عزیز تبریز از این امتحان سربلند بیرون بیایند.

یک نکته هم درباره‌ی یاوه‌گویی‌های اخیر آمریکایی‌ها عرض بکنیم. چون اخیراً باز این احمقهای درجه‌ی یک ردیف شده‌اند، به خط شده‌اند و هر کدامشان دائم راجع به ایران و راجع به ملت ایران و راجع به نظام جمهوری اسلامی و راجع به انتخابات، همین طور یک چیزهایی میگویند. بخشی از این حرفهایی که میزنند، به خاطر تأثیرگذاری در انتخابات است؛ میخواهند در انتخابات به هر نحوی که بتوانند تأثیر بگذارند؛ مردم را مأیوس کنند، ناامید کنند از صندوق رأی. بخشی از آن، ناشی از انفعال است؛ بعد از شهادت شهید عزیزمان و این جنایتی که آمریکایی‌ها در فرودگاه بغداد کردند، آنها منفعل شدند؛ یعنی خود رئیس‌جمهور آمریکا و دوروبری‌هایش به معنای واقعی کلمه منفعل شدند و فهمیدند کار را حساب‌نشده انجام داده‌اند؛ هم در دنیا به اینها حمله شد، هم در داخل آمریکا بشدت به اینها حمله شد که این چه غلطی بود که کردید، هم نتیجه‌ی عکس داد. آمریکایی‌ها میخواستند شهید عزیز ما که تأثیرات بسیار عمیقی در منطقه داشت، پیمایی عظیم مردم عراق در بغداد، حرکت مردم

و

قضایای دیگری که در منطقه هست، درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که آمریکایی‌ها دنبالش بودند. آمریکایی‌ها منفعلند؛ این یاوه‌گویی‌هایی که اخیراً میکنند یک مقداری ناشی از این انفعال است که میخواهند آن را یک جوری جبران کنند. این در آن طرف است. البته در شهادت شهید سلیمانی یک فقدان تلخی برای ما پیش آمد؛ [این] شهید خیلی خوب بود، خیلی عزیز بود، خیلی مفید بود، خیلی انسان را وادار به تحسین میکرد؛ اینها به جای خود محفوظ؛ خب از دست ما رفت؛ ولیکن وقتی به این حادثه نگاه میکنیم می بینیم این حادثه مثل همه‌ی حوادث دیگر الهی است که لطف خدای متعال در آنها بر قهر غلبه دارد.

اما راجع به خود شهید؛ خدای متعال در قرآن از زبان مسلمانها میگوید: *بِنَا إِلَّا أَحَدَى الْحُسَيْنِ*، (۴) ما یکی از دو حسنی را داریم؛ حسنی یعنی بهترین؛ یکی از دو بهترین را ما داریم. آن دو چه هستند که یکی‌اش را انسان دارد؟ یکی‌اش پیروزی است، یکی‌اش شهادت است. شهید سلیمانی به هر دو حسنین رسید؛ هم پیروز شد - چند سال



است که در منطقه، پیروز میدان شهید سلیمانی است، مغلوب میدان، آمریکا و عوامل آمریکایند؛ در همه‌ی این منطقه این جور است- هم به شهادت رسید؛ یعنی خدای متعال کِلْتَا الحُسَیْنِین را به این شهید عزیز داد.

اما ملت ایران عظمت خودش را نشان داد، اتحاد خودش را نشان داد، انگیزه و حضور خودش را نشان داد؛ این اتفاقی که در تهران افتاد و در تبریز افتاد و در مشهد افتاد و در اهواز افتاد و در کرمان افتاد و در قم افتاد، اتفاق خیلی بزرگی بود. این جور اتفاقی کمتر می‌افتد؛ که ده‌ها میلیون انسان در شهرهای مختلف از یک شهیدی تشییع کنند؛ این عظمت ملت ایران را نشان داد، قدردانی ملت ایران را، بصیرت ملت ایران را نشان داد؛ این هم این طرف که یکی از برکات الهی بود. بسیاری از ملت‌ها را از لحاظ همدردی در کنار ایران قرار داد؛ ملت‌ها با ما همدردی کردند. در یکی از کشورهای بیگانه- که به دلیلی نمی‌خواهم اسم بیاورم، [چون] اگر اسم آن کشور را می‌آوردم همه تصدیق میکردند که این آمار، آمار درستی است- هزار مجلس به یاد سلیمانی گرفته شده؛ هزار مجلس! کشورها این جور همدردی [کردند]؛ در بعضی کشورهای اروپایی، حتی در کشورهای دوردست، در کشورهای آفریقایی. ما تا حالا همین طور بتدریج اینها را شنفته‌ایم، هنوز هم داریم می‌شنویم؛ خبرهایی که از اینجا و آنجا می‌آید [نشان میدهد که] ملت‌ها را وادار به همدردی با ما کرد، دل‌های آنها را به ما نزدیک کرد؛ این نعمت خیلی بزرگی است؛ این عمق راهبردی انقلاب اسلامی و نظام اسلامی است. پس ما در این قضیه برنده شدیم؛ در یک قضیه‌ای که این قدر ظاهرش تلخ است- که خب شهید عزیز ما را از ما گرفتند؛ این خیلی تلخ است- یک چنین باطنی خدا قرار داده است که همه ی آن پیروزی است.

وقتی که مرحوم حاج آقا مصطفی، فرزند بزرگ و فاضل و برجسته‌ی امام در نجف از دنیا رفت- که خب شبهه‌هایی هم وجود داشت که ایشان را مسموم کرده‌اند و مانند اینها- امام در اولین بیانات گفتند که فوت مصطفی از الطاف خفیه‌ی الهی بود؛ (۵) هیچ کس درست نفهمید یعنی چه؛ چطور انسان پسر بزرگش را، بچه‌ی فاضلش را- [چون] مرحوم حاج آقا مصطفی خیلی برجسته بود؛ جزو امیدهای آینده بود و اگر مانده بود، قطعاً امروز مرجع تقلید بود- از دست بدهد، آن وقت بگوید که این از الطاف خفیه بود؟ بعد که مردم ایران این حرکت را انجام دادند که برای ایشان فاتحه گرفتند و این فاتحه موجب آن عکس‌العمل دربار شد، و بعد قضایای قم، قضایای تبریز، این سلسله‌ی حوادث پیش آمد، آن وقت مردم فهمیدند که این لطف خفی چه بود. [یعنی] الطاف خفیه‌ی الهی که از یک جای تلخی شروع شد، به [تشکیل] نظام جمهوری اسلامی و به سقوط حکومت طاغوت انجامید. اینجا هم همین جور است؛ اینجا هم حادثه تلخ است اما در این حادثه جبهه‌ی حق پیروز شد، دشمن خبیث ضرر کرد؛ خیال کرد که کاری انجام داده اما درواقع ضرر کرد.

من می‌خواهم عرض بکنم که فقط در این قضیه نیست که آمریکا ضرر کرده، آمریکا در یک نبرد چهل‌ساله دائم دارد از ملت ایران ضربه می‌خورد و شکست می‌خورد. دلیل شکست آمریکا از ملت ایران در این چهل سال این است که همه‌ی سلاح‌هایی را که آمریکایی‌ها میتوانند علیه ایران به کار ببرند، به کار بردند- سلاح سیاسی، سلاح نظامی، سلاح امنیتی، سلاح اقتصادی، سلاح فرهنگی، رسانه‌ها، تبلیغات- و هر کاری میتوانند بکنند کردند؛ برای چه؟ برای اینکه در طول این چهل سال- از روز اول تا امروز- نظام جمهوری اسلامی را ساقط کنند؛ در طول این چهل سال نظام اسلامی ساقط که نشده، هزار برابر قوی‌تر هم شده؛ معنای شکست دشمن این است دیگر. چهل سال است که مردم ایران دارند آمریکا را شکست میدهند؛ ما قوی‌تر شده‌ایم، آمریکا ضعیف‌تر شده.



برادران عزیز، خواهران عزیز، جوانها! من اصرار دارم که این نکته را توجه کنید: امروز آمریکا با بزک و آرایش، خودش را سر پا نشان میدهد؛ واقع قضیه این نیست. امروز آمریکا، از مقروض‌ترین دولتهای دنیا است؛ ۲۲ هزار میلیارد دلار به کشورهای مختلف مقروض است. امروز در آمریکا اختلاف طبقاتی از همیشه بیشتر است. این مطلبی که عرض میکنم حرف من نیست، حرف یکی از شخصیت‌های سیاسی امروز آمریکا است که خودش جزو هیئت حاکمه‌ی آمریکا است، یعنی در کنگره عضو است و علی‌الظاهر سناتور است؛ این حرف، حرف او است - من اسمش را هم میدانم [ولی] نمیخواهم حالا اسم افراد را بیاورم - که میگوید در همین دولت ترامپ که سه سال است سر کار آمده، بیش از صد میلیارد دلار بر ثروت پنج نفر از ثروتمندترین‌ها افزوده شده؛ سه نفر از این پنج نفر، به قدر نصف جمعیت آمریکا ثروت دارند! اختلاف طبقاتی را ببینید. یعنی سه نفر آدم به قدر ۱۶۰ میلیون جمعیت، ثروت دارند. این از یک طرف؛ آن وقت از آن طرف، حقوق هشتاد درصد کارگران کفاف زندگی‌شان را نمیدهد، یعنی فقیرند. آن کسی که درآمدش کمتر از مخارجش باشد فقیر است دیگر؛ هشتاد درصد کارگران آمریکا این جوری هستند. این اختلاف طبقاتی را ببینید؛ وحشتناک است! همین شخص میگوید - اینها آمارهای خودشان است؛ یعنی [گوینده] یک روزنامه‌نگار نیست، یک سیاستمدار برجسته و یک چهره‌ی مشخصی است - از هر پنج نفر آمریکایی فقط یک نفر اگر به دکتر مراجعه کرد، میتواند دواهایش را بخرد؛ چهار نفر دیگر اگر به دکتر مراجعه کنند، پول خریدن دوایشان را ندارند. فاصله‌ی ثروت سفیدها و سیاه‌ها در پنجاه سال اخیر در آمریکا سه برابر شده. این رئیس‌جمهور فعلی آمریکا ادعا میکند که اوضاع اقتصادی را بهتر کرده؛ گفته‌اند بله، اوضاع اقتصادی بهتر شده [ولی] برای میلیاردرها، نه برای مردم آمریکا؛ وضع اجتماعی آمریکا این است.

یکی از رؤسای جمهور سابق آمریکا میگوید آمریکا یک الیگارشی است - یعنی حکومت طبقه‌ی خاص، بدون دخالت مردم - با رشوه‌خواری سیاسی نامحدود؛ آثار فقر هم در آمریکا فراوان، خیابان‌خوابی‌ها بسیار زیاد. آمار اینها را البته نوشته‌اند، بنده حالا دیگر نمیخواهم این آمارها را [بگویم]؛ آدم خیلی هم به جزئیات این آمارها خاطر جمع نمیشود، لکن مشخص است؛ ده‌ها میلیون فقیری که نان شب ندارند؛ تعداد بسیار زیادی که شب ناچارند در خیابان بخوابند. یک خرده که هوا سرد میشود، شما در خبرها می‌شنوید که در آمریکا این قدر آدم مردند؛ خب چرا بمیرند؟ مثلاً فرض کنید سرمای پنج درجه زیر صفر که مردن ندارد؛ [اما] چون در خیابان می‌خوابد، چون خیابان خواب است [میمیرد]. گرما هم که زیاد میشود - ۴۰ درجه یا ۴۲ درجه - یک عده‌ای می‌میرند، چون در خیابانند، خیابان خوابند. حالا آمار جنایتها و آمار فسق و فجورها [بماند]؛ چیزهای عجیب و غریبی از لحاظ اجتماعی در آن کشور رایج است که انسان میفهمد اینها مثل خوره افتاده به جان این کشور و مثل موریانه دارد این را از بین میبرد. [آمریکایی‌ها] ظاهر را آرایش میدهند، شکوه و جلال میدهند به ظاهر قضیه، برای اینکه هم دیگران را فریب بدهند، هم بعضی‌ها را در دنیا بترسانند؛ ظاهر قضیه آرایش است، شکوه و جلال است. من این جور یادداشت کرده‌ام: نوشته‌ام همچنان که شکوه و جلال کشتی معروف تایتانیک مانع از غرق شدن آن نشد، شکوه و جلال آمریکا هم مانع از غرق شدنش نیست و آمریکا غرق خواهد شد.

آنچه ما با آن مخالفیم عبارت است از حاکمیت ظلم و طغیان و استکبار؛ «آمریکا» که میگوییم یعنی این؛ مخصوص آمریکا هم نیست. امروز البته قله‌ی طغیان و استکبار و طاغوت، آمریکا است که در واقع در دست صهیونیست‌ها - نه دولت صهیونیستی؛ در دست ثروتمندان و کمپانی‌دارهای صهیونیست - دارد می‌چرخد. هر کشور دیگری هم همین رفتار را داشته باشد این [طور] است. ما با هیچ ملتی به عنوان ملت مخالفتی نداریم؛ با هیچ نژادی، با هیچ ملتی؛ ما با استکبار مخالفیم، با ظلم مخالفیم، با طغیان علیه ارزشهای انسانی و الهی مخالفیم. امروز آمریکا مظهر اینها



است؛ مظهر ظلم است، مظهر استکبار است، لذاست که در دنیا هم منفور است. قدرت مادی‌اش را به رخ این و آن میکشد؛ الان در اطراف کشور ما ده‌ها پایگاه نظامی در این کشورهای گوناگون دارد، اما این پایگاه‌های نظامی به دردش نمیخورند؛ نه به درد خودش میخورند، نه به درد آن بیچاره‌هایی میخورند که پولهایشان را میدهند و چشم امید به این دارند؛ به درد آنها هم نمیخورد؛ روزی اگر مسئله‌ای پیش بیاید، به دردشان نخواهد خورد. آن کشور -استکبار- از لحاظ معنوی، از لحاظ روحی، از لحاظ باطنی در حال فرو ریختن است.

آنچه برای ما مهم است این است که ما، هم خودمان را در خط مستقیم الهی، در صراط مستقیم الهی حفظ کنیم، هم نگذاریم حرکتمان کند بشود؛ این مهم است. حرکت نظام اسلامی و جامعه‌ی اسلامی به سمت اهداف والای اسلامی از دور نباید بیفتد. الان هم حرکت هست؛ نه اینکه کمبود نیست، نه اینکه بدعملی نیست، نه اینکه سوء مدیریت نیست؛ چرا، اینها هم هست؛ اگر نبود، حرکت ما بهتر بود، بیشتر بود، جلوتر میرسیدیم، بهتر میرفتیم، گره‌ها را راحت‌تر باز میکردیم؛ اما با اینکه این ضعفها وجود دارد، حرکت وجود دارد. آن چیزی که برای بنده امیدبخش است وجود شما جوانها است. جوانها خودشان را آماده کنند؛ از لحاظ علمی، از لحاظ عملی، از لحاظ تجربی، از لحاظ ایمانی خودشان را آماده کنند؛ فردا مملکت دست شما است، بایستی ان شاء الله بتوانید این مملکت را به اوج برسانید و ان شاء الله این کار را خواهید کرد. امیدواریم ان شاء الله دعای حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) پشتیبان شما باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

استان (۱) در ابتدای این دیدارهاشم (نماینده‌ی ولی‌فقیه در

جمعه‌ی تبریز) مطالبی بیان کرد.

(۲) به دست آوردن

(۳) آنچه به آن طمع کنند، مورد طمع

(۴) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۵۲

(۵) صحیفه‌ی امام، ج ۳، ص ۲۳۴